

## موضوع نوار سری! شاهنشاه

امیر فیض - حقوقدان

در تحریر «نقش تلقین در مصاحبه علیاحضرت» اشاره شد که بیانات علیاحضرت در مورد ضبط صدای شاهنشاه بمناسبت اهمیتی که دارد به فرصت دیگری موکول شود اکنون همان فرصت است. ابتدا به بینیم موضوع ضبط صدای شاهنشاه چیست.

\*\*\*\*

در دیماه سال ۱۳۵۷ در جراند تهران از جمله کیهان ۱۱ بهمن ۵۷ خبری منتشر شد که باتفاق آترامیخوانیم:

«شبکه تلویزیونی سی - بی - اس آمریکا در پخش اخبار امشب خود اعلام کرد که نوار سری از گفتگوی تلفنی میان شاه و فرمانده نیروی زمینی اندکی قبل از آنکه شاه ایران راترک کند ضبط شده است که از روسای نظامی خواسته است عمدا جنگ داخلی براه بیندازند و به سود وی کنترل اوضاع را بدست گیرند. خبرنگار تلویزیونی گفت دوکارشناس صوتی از دانشگاه دولتی میثیگان و دانشگاه لوس آنجلس در کالیفرنیا صدای شاه را بر این نوار معاینه و هویت او را رسما تایید کرده اند»

(روزنامه اطلاعات ۱۱ بهمن ۵۷ - درآینه مطبوعات - کتاب ۳۷ روز بختیار)

### هدف از ساختن و انتشار این نوار چه بوده است؟

ساخت نوار مزبور برای تطبیق مقاومت احتمالی شاهنشاه در مقابل شورشیان، (بخوانید برنامه آمریکا و انگلستان در تغییر رژیم ایران) با فصل جنایات ضد بشریت بوده است به این توضیح که اگر شاهنشاه حاضر به ترک کشور و تفویض اختیارات نظامی به بختیار نشوند و یا ارتش دست به کودتا علیه شورشیان بزند از نوار و صدای شاهنشاه استفاده و شاه را به عنوان عامل و فرمان دهنده جنایات ضد بشری معرفی و جریان رابه شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی بکشانند. (جنایات ضد بشریت به عنوان ناقض ترین ارزشهای انسانی شناخته شده است و همه کشورهای عضو سازمان ملل جنایات ضد بشریت را قابل تعقیب کیفری در دیوان بین المللی کیفری میدانند (عهد نامه بین المللی سال ۱۹۴۵)

در ماده هفتم اساسنامه دیوان بین المللی کیفری جنایات ضد بشری تعریف شده است. رکن اصلی برای اینکه عملی جنایت بر ضد بشریت تلقی شود این است که؛ اولاً آن عمل بخشی از یک سلسله اقداماتی باشد که عامل آن سازمان و تشکیلات وابسته به حکومت باشد شرط دوم این است که تعرض و اعمالی که جنایت بر ضد بشریت محسوب میشود نسبت به مردمی غیر نظامی و غیر مسلح صورت گیرد شرط مهم دیگر اینکه جنایت بر ضد بشریت باید با علم و قصد و اراده صورت گیرد و الا جرم، جرم عادی خواهد بود.

نوع جنایات ضد بشری بشرح زیر توصیف شده است:

قتل عمدی - نابود سازی - شکنجه - هتک ناموس و امثال آنها

اکنون به بینیم اتهام جنایت علیه بشریت متوجه چه کسانی است؟ پاسخ روشن است، متوجه کسی که فرمان جنایت و کشتار و تیراندازی به مردم غیر مسلح رامیدهد.

به این نمونه برای تطبیق مورد توجه فرمائید:

دادستان دادگاه بین المللی کیفری اعلام کرد که پرونده ای علیه معمر قذافی و نزدیکانش در لیبی به اتهام ارتکاب به جنایات ضد بشری تشکیل شده است و توضیح داد که «نیروهای امنیتی لیبی از ۱۵ فوریه به تظاهرات مسالمت آمیز مخالفان در چند شهر حمله کرده اند و فرماندهی این نیروها با معمر قذافی و اطرافیان او بوده است (سی ان ان)

### نمونه دیگر

خبرگزاری العربیه، اعلام کرد که وزارت دادگستری آمریکا در حال جمع آوری مدارک و اطلاعات کافی جهت اثبات جرم جنایت ضد بشریت بر ضد مقامات سوریه است تا در صورت فراهم شدن، آنها را به دادگاه کیفری ارسال دارد.

### تطبیق مورد با شورش ۵۷

درست است که در مورد لیبی و سوریه تظاهر کنندگان مسلح هستند و حتی کشورهای اروپایی علناً به مخالفین مسلح لیبی کمک تجهیزاتی میکنند ولی وقتی طرف قضیه آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان متفق باشند دیگر شروط لازم برای اینکه عمل حکومت جنایات بر ضد بشریت باشد لازم الزامی نیست!

### موضوع منطبق با ادعای گرگ و میش است

برای ارجاع پرونده رئیس یک کشوری به دادگاه جنایی دلالتی که جرم را منطبق با جنایت ضد بشریت بنماید لازم است، کما اینکه می بینید آمریکا و کشورهای اروپایی در صدد پرونده سازی علیه سران کشورهای سوریه و لیبی هستند، کما اینکه آمریکا قبل از حمله به افغانستان نوار صحبتی از بن لادن انتشار داد که حادثه ۱۱ سپتامبر را منتسب به او میساخت.

در جریان شورش ۱۳۵۷ آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان، غافل نبودند از اینکه شاهنشاه ایران در مقابل شورشیان دستور مقاومت بدهد، در واکنش به این احتمال نوار صوتی مورد اشاره را ساختند تا در صورت مقاومت حتی کوچکترین مقاومت، مسئله را بصورت جنایات ضد بشریت مطرح کنند.

یادتان هست که خمینی بکرات مدعی شد که ۱۰۰،۰۰۰ کشته دادیم این رقم واهی بارها از طرف بازرگان و سنجابی و حتی شاپور بختیار که نخست وزیر شاه بود تائید شد (کتاب ۳۷ روز بختیار). خوب سوال اینجاست که دستور دهنده این کشتار واهی که بنا بر ادعا کاملاً منطبق با جنایت بشریت است، چه کسی بوده است؟ نوار ساخته شده دقیقاً اتهام را متوجه فرمانده کل قوای یعنی شاهنشاه مینماید که بفرماندهان ارتش فرمان براه انداختن جنگ داخلی را میدهد!

### به محکمی نوار ضبط صوت توجه کنید

به متن نوار که در ابتدای این تحریر آمده توجه مجدد بفرمائید تا به استحکام حقوقی و بصیرت تهیه کنندگان آن بیشتر آشنا شویم و با توجه به مرکزی که برای اولین مرتبه آنرا به اطلاع جهانیان رسانید (تلویزیون سی-بی - اس آمریکا) یقین کنیم که دستگاه های جاسوسی آمریکا و انگلستان که زمینه های شورش و موفقیت شورشیان را تدارک میکردند سازنده آن بوده اند.

۱- نوار مکالمات، سری! اعلام شده است. معنای سری بودن آن این است که شاهنشاه میدانسته که دستورش! به فرماندهان نظامی غیرقانونی است زیرا که تامین امنیت داخلی کشور با وزارت کشور و فرمانداری نظامی تابع وزارت کشور است نه شاه.

۲- واژه «عمداً» بدین سبب در جعل مکالمه بکار برفته است که همانطور که در فوق عرض شد یکی از شرایط لازم برای تحقق جنایت ضد بشریت این است که جنایت ضد بشریت با قصد و اراده و عمداً انجام شود.

۳- برای اینکه اصالت نوار صحبت محرز باشد و بحث احتمال عدم تطبیق صدای شاهنشاه با صدای تقلیدی در نوار مطرح نشود و لاجرم سبب تضعیف استفاده از نوار نگردد پیشاپیش اظهار نظر دوکارشناس صوتی بدون آنکه نامشان ذکر شود ضمیمه نوار شده است، عنوان کارشناس به آن دو نامعلوم، بدین دلیل به آنها داده شده که

موقعیت آنها در عرض شاهد که بتوان آنرا قلب کرد قرار نداشته باشد زیرا اظهار نظر کارشناس رانمیتوان رد کرد مگر با اظهار نظر کارشناسان بالاتر به همین دلیل آن دونفر نامعلوم منتسب به دودانشگاه شده اند که مقامی ارجح کارشناسی باشند.

۴- واژه «رسمی» به این سبب در نواریکاررفته که چون دانشگاه میثیگان یک دانشگاه دولتی است و در همان نوار هم به دولتی بودن آن دانشگاه اشاره شده است باصطلاح اعتبار رسمی دانشگاه به نوار هم سرایت کند.

### استفاده از این نوار جعلی

عرض شد اگر شاهنشاه مقاومت میکرد و به فشار آمریکا و انگلیس در ترک ایران تسلیم نمیشد آمریکا و انگلستان و آلمان و فرانسه باتفاق سایر کشورهای دست نشانده موضوع رابه شورای امنیت ارجاع وخواستار دخالت نظامی برای جلوگیری! از جنایت ضد بشریت میشدند و همین عملی که امروز نسبت به لیبی در جریان است علیه ایران و تاسیسات صنعتی و فرودگاه هاو غیره به جریان می افتاد.

(جیمی کارتر و سایر ماموران کمیسیون سه جانبه در طرح براندازی ایران تا آنجا پیش رفته بودند که علیرغم تمایل رهبران عربستان سعودی یک اسکادران ۱۲ فروندی از هواپیماهای شکاری جنگنده اف ۱۵ رابه ریاض پایتخت عربستان اعزام داشتند تادرسورت عدم خروج شاهنشاه از مملکتش از آنها بعنوان یک قدرت تهدید گر استفاده کنند سایر س و نس برای ابلاغ این تصمیم مهم کاخ سفید آنچنان شرایط وزمانی را انتخاب کرد که بی شباهت به ابلاغ اعلامیه اشغال نظامی ایران توسط متفقین در سوم شهریور نبود.) ( طوفان در ۵۷ - جلد دوم صفحه ۵۰۷ )

یادمان هست که قطعنامه شورای امنیت سازمان برای اقدامات نظامی علیه قذافی به بهانه کشتار مردم بی دفاع لیبی مطرح شد آنهم نه یکصد هزارویاز یادمان باشد که اجماع تبلیغات جهانی علیه شاهنشاه ایران به مراتب بیشتر از قذافی بود برای قذافی شکنجه گاه سرهنگ زیبایی وگونی های ناخن نساختند که برای شاهنشاه ایران ساختند.

اگر شاهنشاه در مقابل شورشیان (بخوانید آمریکا و انگلستان) مقاومت میکرد و بختیار نخست وزیرکشور بود بختیار اولین کسی بود که لزوم محاکمه شاهنشاه رامطرح میکرد. تردید دارید؟ به این سند توجه فرمائید:

در تاریخ ۱۹ می ۱۹۶۵ برابر با ۱۳۴۴/۲/۲۹ (۱۳ سال قبل از شورش ۵۷) آقای «ارچی ام بولستر» دبیردوم سفارت آمریکا در تهران در سائلن چای هتل کاسپین ملاقات محرمانه ای داشته که گزارش کاردار بطور مشروح در صفحه ۱۷۳ جلد بیستم اسناد سفارت تحت عنوان محرمانه صورت مذاکرات ثبت است.

در گزارش مزبور تحت عنوان «حمایت ایالات متحده آمریکا از شاه» اینطور گزارش شده است:

«بختیار باتکرار گفته های سابق که ایالات متحده به اندازه ای شاه را حمایت کرده است که ملی گراها هیچ امکانی برای یک محاکمه منصفانه ندارند، وقتی از او سوال شد که او پیشنهاد میکند که ایالات متحده چه کاری انجام دهد تاسیساتهایش را برای ملی گراهای ایرانی خوشایند تر سازد تنها جواب او این بود که ایالات متحده باید حمایتش راز شاه کاهش دهد»

در گزارش دیگری که در تاریخ اول اردیبهشت سال ۱۳۴۸ از سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه آمریکا از وضع مخالفان شاهنشاه داده شده میخوانیم که در مورد شاپور بختیار چنین گزارش شده است:

«بختیار، تقریباً بطور حتم در پی بهره برداری از هرگونه فرصتی خواهد بود که برای اقدام سیاسی علیه حکومت شاه پیش بیاید» ( صفحه ۹۹ جلد ۲۰ اسناد سفارت )

اگر شاهنشاه در ایران میماند و حتی به جزیره کیش میرفتند و بختیار نخست وزیر بود همان برنامه ای اجرا میشد که اکنون در مورد مبارک به اجرا گذاشته شده است. مبارک هم از قاهره باکنارگیری و تفویض اختیارات به معاونش به شرم الشیخ رفت. اتهام میلیاردها ثروت غیرقانونی رابه مبارک دادند که نه تنها جمهوری اسلامی که دکتر گنجی وزیر آموزش و پرورش شاه هم شاهنشاه رادزد خطاب کرد و روزنامه صبح ایران شرفشاهی هم شاه رامتهم به ۲۰ میلیارد دلار سوء

استفاده متهم کرد که احمد مدنی هم بررقم مزبور افزود. اگر بختیار نخست وزیر بود همان تیمسار فردوست خائن نقش ژنرال طنطاری راعده دارمیشد و برای خوشخدمتی به خمینی که اوراتانید کند مطمئن باشید که از مبارک هم بدتر باشد شاهنشاه ایران میکردند.

امیدوارم یادتان نرفته باشد که بختیار در مصاحبه و کتابش گفت «من در مدت کوتاهی سه چهارم خواسته های آیت العظمی امام خمینی را انجام دادم اگر فرصت بدهند بقیه خواسته هایشان را هم اجرا خواهم کرد >

چه کسی تردید دارد که در راس خواسته های خمینی خفت و زجر دادن شاهنشاه ایران یعنی محاکمه او بوده است؟

در یک گزارش محرمانه سفارت آمریکا به وزارت خارجه کشورش آمده است.

«بختیار بر این اعتقاد است که ایالات متحده، آلمان، انگلیس، فرانسه و ژاپن منافع مشترک در ایران دارند و باید یک طرح مشترک جهت حفظ منافع خود در آنجا بریزند ایالات متحده باید در تعیین اهداف و مقاصد رهبری داشته باشد اما انگلیسیها که ایران را خیلی بهتر از آمریکاییها درک میکنند باید طرح رتیه کنند» ( تاریخ این سند شهریور ۵۸ و مشروح آن در جلد ۳۸ اسناد سفارت ثبت است)

اکنون خواننده محترم این تحریر شما بفهمانید چه کسی جز بختیار که نخست وزیر هم بوده و بنا بر گزارش مامورین آمریکائی منتظر فرصت است تا علیه شاه اقدام کند صلاحیت و آمادگی برای اجرای طرح محاکمه و بردن موضوع به دادگاه کیفری بین المللی راداشته است؟

### برویم دنباله مطلب

### **بیانات علیاحضرت راجع به نوار ساختگی مکالمات شاهنشاه**

اکنون بجاست که نگاهی داشته باشیم به اظهارات علیاحضرت در مصاحبه بابی - بی - سی راجع به نوار صحبت ساختگی شاهنشاه زیرا نتیجه گیری از این تحریر و گفتگوی پایانی به اظهار نظر علیاحضرت پیوند دارد.

میفرمایند «گروه های مخالف خیلی خوب کارشان را بلد بودند میدانستند که چگونه خراب کنند، چطوری دروغ بگویند اما میآمدیم ثابت کنیم که اینها دروغ است دیگر آن تاثیر منفی را گذاشته بود، مثل برایتان بزنم موقعی که صدای اعلیحضرت را ضبط کرده بودند و پخش کردند یک مقداری صدای اعلیحضرت بود و بقیه صدای ایشان نبود من آن کاست را گوش کردم خیلی افسوس میخورم که با خود نیاوردم معلوم بود که یکنفر دارد بجای ایشان حرف میزند و صدای ایشان را تقلید میکند و دستورها عجیب و غریب میدهد تا این کاست را بفرستیم آمریکا که بروند و ببینند که نه درست نیست و از نظر علمی بگویند که این صدا آن صدا نیست، دیگر خرابی شده بود و مردم باور کرده بودند»

### گزارشی برای تاریخ

در سال ۱۳۸۰ همزمان با انتشار صدای کاست صحبت بن لادن از طرف آمریکا برای بهانه حمله به افغانستان در رابطه با فاجعه ۹/۱۱ مقاله ای در سنگر ۱۵ دیماه سال ۸۰ نوشته شد زیر عنوان «تپها» موضوع نوار ساختگی مکالمات شاهنشاه مطرح گردید و توجه علیاحضرت به اقداماتی که میتواند اثرات این نوار جعلی را از تاریخ بزاید جلب گردید و ضمن نامه ای هم که معمول سنگر بود مراتب با توضیح لازم تقدیمشان شد که خبری از توجه به آن عریضه ندارم.

در سال ۱۳۸۳ باریگر موضوع نوار صحبت ساختگی شاهنشاه در سنگر ۱۵ مرداد در مقاله «مسیر بزرگداشت» مطرح گردید از آنجا که دسترسی به آن شماره سنگر شاید آسان نباشد و فتوکپی آن مقاله هم بمناسبت فرسودگی صفحات ممکن است قابل خواندن راحت نباشد اجازه میخواهم بخشهایی از آن مقاله را برای ملاحظه ایرانیان و تاریخ گزارش نمایم:

«.....همانطور که آگاهید کوهی از اتهامات ناروا متوجه شاهنشاه ایران شده است ایکاش که آن اتهامات از سوی بیگانه و عواملشان تدارک شده بود درکمال تاسف بخشی از آن از سوی عوامل خودی و بسیار هم خودی قابل احترام عنوان شده است.»

ماسلظنت طلبان و وظیفه میهنی داریم که درکنار بزرگداشت از شاهان پهلوی، باارانه دلیل و شاهد وسند، ابطال اتهامات واهی که متوجه شاهنشاه ایران گردیده است را سرلوحه فعالیت های سیاسی خودمان قرار دهیم و این امر بزرگترین هدیه ای است که میتوانیم به شاهنشاه تقدیم داریم.....»

### فرمان سری کشتار

شهود بسیاری براین حقیقت شهادت داده اند که شاهنشاه ایران در جریان شورش ۵۷ تمایلی به سرکوبی شورشیان که از آحاد مردم تشکیل شده بودند نداشتند و به هیچوجه فرماتی برای مقابله ارتش و پایان دادن به آن شورش برنامه ریزی خارجی ندادند. اشاره به شهادت شهود که میتوان درصدر همه شهادت سفیروقت انگلستان و آمریکا رامستند قرارداد فصل معتبر و مفصلی است که آگاهی از آن فراگیر است و بحثی در آن نیست.

امادرمقابل این حقیقت و شهادت شهود سندی از ناحیه آمریکا ارائه گردیده که اهمیت به سزائی دارد و بمناسبت ماهیت شهادت و اتصال آن به اعترافات شاه، شهادت شهود قضیه را سست میکند (در اینجا متن نوار که در ابتدای این تحریر آورده شده نوشته شده است)

یک محقق که بعدها روی قضیه شورش ۵۷ و نقش شاهنشاه ایران و عدم تمایل شاهنشاه به خونریزی و کشتار مردم اغفال شده تحقیق میکند وقتی به این خبر که روزنامه های ایرانی بنقل از شبکه تلویزیونی (سی - بی - اس) آمریکا انتشار داده اند و نیز میبیند که شاپور بختیار هم در کتاب ۳۷ روز خودش خبر مزبور را تایید کرده است، نتیجه گیری از تحقیقاتش بامشکل مواجه میشود، چراکه تضاد شهادت شهود، با صدای ضبط شده از شاهنشاه چیز کم اهمیتی نیست و بقا و اصالت هریک، لازمه بی اعتبار ساختن آن دیگری است خاصه که صفت سری بودن به نوار هم داده شده است.

### ما مکتفیم

ما ایرانیان تکلیف داریم که مسیر تحقیق را برای آیندگان از ابهامات و تضادهای تا آنجا که ممکن است پاک کنیم. هرچه زمان میگذرد پاک کردن تیرگی ها دشوار بل غیر ممکن میشود.

براستی چه کسی در شرائط فعلی این امکان و موقعیت را دارد که بی اعتباری و قلب بودن صدای شاهنشاه رادرنوار ساختگی به اثبات برساند؟ سنگر ضمن نامه ای در سالهای گذشته از حضور علیاحضرت درخواست کرد موضوع راتعقیب بفرمایند و از دانشگاه میشیگان و لوس آنجلس و تلویزیون سی - بی - اس خواستار کپی نوار مزبور گردند و همچنین نظریه کارشناسان صوتی دانشگاه راکه در آن زمان نسبت به نوار ابراز شده از دانشگاه های مزبور بخواهند. از دو حالت خارج نیست یا شبکه تلویزیونی مزبور و دانشگاه ها نوار را ارسال خواهند داشت که آنوقت با ارسال آن به کشوری مانند اطریش که ۴۰۰ سال قبل از آمریکا دانشگاه داشته رسوائی و قلب نوار مزبور روشن خواهد شد، حالت دوم که حتمی است بمناسبت اینکه چنین نواری وجود نداشته است و یا مقلوب بودن آن برای شبکه تلویزیونی مسلم است دانشگاه های مزبور عدم اطلاع از موضوع (نوار و اظهار نظر کارشناسان صوتی دانشگاه) را اعلام خواهند کرد. در این حالت با ترتیب دادن یک مصاحبه با رسانه های خارجی و یایک مقاله در یکی از نشریات خارجی (با خرید صفحه) جریان امر و نامه دانشگاه هارامنتشر و بدین ترتیب اثر حقوقی نوار مزبور زائل گردد..... الی آخر

نفرمائید که اکنون سی سال گذشته است. این نوار ساختگی اگر قلب آن اثبات نشود مورد استفاده تاریخ قرار خواهد گرفت چه سی سال و چه هزار سال بگذرد.

میدانید که سران شورش ۵۷ (خمینی - رفسنجانی و سنجابی) در رابطه بانوار مزبور چه گفتند و چه دستاوردی ساختند؟

به کرات مدعی شدند که «شاه دستور کشتار مردم رابه ارتش داد ولی ارتشیان با اعلام بیطرفی به مردم پیوستند» مقصود این است که وقتی ما به قلب آن نوار ساختگی اقدام نکردیم بدهکار هم شدیم.

علیا حضرت در مصاحبه ای فرمودند «من این خاطرات را برای بزرگداشت همسرم نوشته ام» باور منطقی این است که بزرگداشت، **رفع اتهام کاذب از شاهنشاه است**، وقتی به این نوار استناد میشود ما چه پاسخی داریم که مبطل نوار باشد اگر نادانی گفت «شاهی که به ارتش دستور کشتن مردم را میدهد، کدام بزرگداشتی را سزاوار است» ما چه میگوئیم جز خجلت و شرمساری از بی حالی خودمان.

اکنون یک بار دیگر توجه و عنایت علیاحضرت گرامی رابه حساسیت این اتهام و عظمت آن جلب و پیشنهاد مینمایم که علیاحضرت موضوع رابه یک دفتر حقوقی آمریکائی که در این قبیل مسائل مدیریت حقوقی دارد ارجاع بفرمائید تا اقدامات آن دفتر و گزارش آن سندی باشد بر بی اعتباری نوار مزبور. نگذارید که این نوار همچین در جای خود باقی بماند به حقیقت که مابرای نجات ایران کاری نکردیم لاف در رفع اتهامات نادرست از شاهنشاه یک قدم برداریم. به امید قبول این درخواست و انجام تکلیف میهنی در حراست از حقیقت.